

تربیت معلم فکور

برنامه‌های جدید رشته زبان انگلیسی در دانشگاه فرهنگیان از

زبان اعضای کمیته برنامه‌ریزی تربیت معلم (بخش اول) محمد رضا عنانی سراب



اشاره

مجله رشد آموزش زبان‌های خارجی در راستای رسالت اطلاع‌رسانی و ایجاد آگاهی از تحولات حوزه آموزش زبان، در روز پنجم بهمن‌ماه ۱۳۹۵ میزگردی را در دانشگاه فرهنگیان - بخش ستادی واقع در بلوار فرحزادی خیابان تربیت معلم - برگزار نمود. در این جلسه اعضای کمیته برنامه‌ریزی تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان، خانم مژگان سلیمانی، عضو کمیته بازنگری برنامه درسی رشته آموزش زبان انگلیسی، خانم فائزه قدوسی، دبیر اجرایی کمیته و آقایان دکتر فرهاد دردی‌نژاد، مسئول کمیته بازنگری برنامه و دکتر علیرضا کربلایی، عضو کمیته حضور داشتند. آنچه در زیر می‌خوانید بخش اول این گزارش است.

دوستان نیز به‌عنوان عضو فعالیت داشتند. اعضا عبارت بودند از دکتر نجاتی از دانشگاه شهید رجایی، دکتر کربلایی از دانشگاه فرهنگیان، خانم مژگان سلیمانی از دانشگاه فرهنگیان و دکتر سیدبهنام علوی مقدم عضو هیئت علمی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در ضمن خانم قدوسی هم به‌عنوان هماهنگ‌کننده برنامه از طرف دانشگاه فرهنگیان هماهنگی جلسات و تنظیم صورت‌جلسات را به عهده داشت. به این صورت ما یک تابستان را به صورت فشرده برنامه‌ریزی و درس‌ها را بین اعضا تقسیم‌بندی کردیم. البته قبل از آن درباره شاخص‌ها مباحثی طولانی مطرح شده بود. بحث اصلی در جلسات مقدماتی تمایز بین دو مفهوم «دانستن» و «توانایی انجام دادن» بود. در برنامه درسی قبلی بیشتر تأکید بر این بود که معلم باید بداند، آشنا شود و یاد بگیرد در حالی که در برنامه درسی جدید که قرار است شایستگی محور باشد همان‌طور که از نامش پیداست باید بر رشد شایستگی‌ها و قابلیت‌هایی تأکید شود که یک معلم باید به آن‌ها مجهز شود. به‌علاوه توانایی‌ها باید به نوعی تعریف می‌شدند که قابل سنجش

محمد رضا عنانی سراب: اگر موافق باشید با این پرسش آغاز کنیم که: نیاز به تغییر در برنامه درسی تربیت معلم زبان انگلیسی کی و چگونه مورد توجه قرار گرفت و در حقیقت چه مقدماتی برای تغییر برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان در رشته زبان انگلیسی طی شد؟

فرهاد دردی‌نژاد: آنچه به‌عنوان مقدمه می‌توانم بگویم این است که دانشگاه فرهنگیان، به‌طور کلی و در همه رشته‌ها، رسالت خودش را «تربیت معلم فکور» می‌داند. وقتی بخواهیم چنین معلمی را تربیت کنیم گام اول این است که یک بازنگری در برنامه درسی اتفاق بیفتد تا بتوانیم این هدف را دنبال کنیم. دانشگاه فرهنگیان رویکرد شایستگی‌محور (Competency Based) را هدف خود قرار داد و متعاقب آن، کارگروه‌هایی برای رشته‌های مختلف از جمله آموزش زبان انگلیسی شکل گرفتند. در کارگروهی که برای تغییر بازنگری در برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی شکل گرفت، بنده به‌عنوان سرگروه و بقیه

و اندازه‌گیری باشند. در واقع ما در این برنامه درسی دو کار انجام دادیم. اول اینکه شاخص‌ها را تعیین کردیم. مثلاً اگر قرار است توانایی‌ای مانند «خلاقیت» رشد کند، گفتیم این خلاقیت چه شاخص‌هایی دارد که در بحث سنجش قابل اندازه‌گیری باشد. فعلاً من تا اینجا بر این مقدمه بسنده می‌کنم و ادامه بحث را به سایر دوستان واگذار می‌کنم.

سلیمانی: باید اذعان کنم که ما در طراحی برنامه درسی جدید تربیت معلم سردرگم بودیم. نمی‌دانستیم واقعا چه کاری از ما خواسته شده است. به عبارت دیگر نکات مبهم در «مأموریت ما کم نبود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم آنچه را که در گذشته اتفاق افتاده مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین یک بررسی در مورد تاریخچه رسمی تربیت معلم که سابقه‌ای صد ساله دارد انجام دادیم. از یک نظر، و قبل از آنکه دارالمعلمین در صد سال پیش تأسیس شود، پایه تربیت معلم در ایران با افتتاح دارالفنون گذاشته شد. در آن زمان نیاز داشتند معلمانی را تربیت کنند؛ به همین دلیل از بین دانش‌آموزان رتبه بالای دارالفنون افرادی را برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام کردند تا در رشته‌های خاصی تحصیل کنند و پس از فارغ‌التحصیلی به ایران مراجعت نمایند.

در فرانسه در آن زمان مدل تربیت معلم کارآموزی یا «معلم شاگردی» (Apprenticeship) بود. بدین معنی که فرد نزد معلمی با تجربه شاگردی می‌کرد و دستیار او می‌شد تا زمانی که خودش معلمی را یاد بگیرد. این ذهنیت در تربیت معلم تا قبل از انقلاب نیز وجود داشت.

بعد از انقلاب که دانشگاه‌ها و از جمله دانشگاه تربیت معلم بسته شد، در سال ۱۳۶۱، رئیس‌جمهور وقت مرحوم شهید رجایی تصریح کرد حتی اگر مراکز آموزش عالی تعطیل باشند مراکز تربیت معلم نباید غیرفعال باشند چون ما نیاز به معلم داریم. بعد از باز شدن مجدد مراکز تربیت معلم در زمان شهید رجایی لازم بود در مورد برنامه درسی فکری اساسی شود. در دو یا سه دهه پیش تفکر غالب مدل علمی در آموزش و تربیت معلم بود. به این معنی که معلم هر درس باید با حیطة محتوایی آن درس آشنا می‌شد تا بداند چگونه می‌تواند محتوا را به دانش‌آموزان منتقل کند.

زمانی که خود من کار را شروع کردم کار بدین گونه بود و با این ذهنیت آموزش می‌دادیم. به عنوان مثال به دانشجو - معلم آموزش می‌دادیم که برای تدریس کتاب درسی ابتدا کلمات جدید را آموزش دهد و برای این کار سعی می‌کردیم به دانشجو - معلمان مراحل این کار را آموزش دهیم.

خلاقیت معلم در این شیوه خیلی مورد توجه نبود. در راستای اهداف تربیت معلم در سال ۱۳۸۰ آموزش معلمان معادل‌سازی شد، به این معنی که مدارک کاردانی و کارشناسی معادل تعریف شد.

این مدارک را فقط خود آموزش و پرورش قبول داشت. البته

بعداً این امکان فراهم شد که معلمان نیز از طریق آموزش ضمن خدمت مدرک کارشناسی ناپیوسته دریافت کنند. مدارک این افراد مورد تأیید وزارت علوم نیز بود و آن‌ها می‌توانستند در کارشناسی ارشد ادامه تحصیل بدهند.

مدتی بعد در زمان وزارت آقای دکتر معین این مسئله مطرح شد که اصلاً چرا باید مدرک معادل وجود داشته باشد؟ ایشان معتقد بودند همه مدارک باید از طریق وزارت علوم داده شود. با طرح این مسئله باید همه مراکز تربیت معلم برچیده می‌شد براساس این طرز فکر به تدریج تعدادی از مراکز تربیت معلم یکی بعد از دیگری منحل شد.

در سال ۱۳۸۴ آقای مظفر وزیر وقت آموزش و پرورش طی دیداری که با مقام معظم رهبری داشتند این مسئله از سوی رهبری مطرح شد که تمام کشورهای پیشرفته دنیا مراکز تربیت معلم خیلی خوبی دارند و ما نیز نیاز داریم مراکز تربیت معلم قوی داشته باشیم.

بدین ترتیب مقرر شد مراکز تربیت معلم احیا شوند. تعداد مراکز تربیت معلم قبل از آن، فقط در تهران، ۱۵ یا ۱۶ مرکز بود که آن را به ۷ یا ۸ مرکز کاهش داده بودند. به هر حال، در سال ۱۳۸۸ تصمیم گرفته شد ورودی‌های مراکز تربیت معلم در دوره کارشناسی را علاوه بر دبیران، فارغ‌التحصیلان دوره کاردانی دانشگاهی و مراکز آموزش عالی نیز تشکیل دهند بدین ترتیب ما یکباره با دانشجویانی مواجه شدیم که آموزش و پرورش نبودند بلکه افرادی بودند که با مدرک کاردانی آمده بودند تا مدرک کارشناسی بگیرند و دبیر شوند. آموزش این افراد در رشته تربیت دبیر زبان انگلیسی در تهران در مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (نامی که جایگزین مراکز تربیت معلم شده بود) متمرکز شد. یک دوره کوتاه به همین منوال طی شد تا اینکه اساسنامه تأسیس دانشگاه فرهنگیان آماده شد و پس از بحث‌های زیاد بالاخره به تصویب مجلس رسید و بدین ترتیب دانشگاه فرهنگیان در سال ۱۳۹۰ تأسیس شد و اولین ورودی دانشجویان کارشناسی پیوسته از طریق آزمون سراسری و مصاحبه در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت. در سال ۱۳۹۲ نیز آقای دکتر مهر محمدی به عنوان سرپرست این دانشگاه منصوب شدند.

در ابتدا دغدغه اصلی دانشگاه فرهنگیان برنامه درسی نبود و از همان برنامه‌ای که پیش از آن، در سال ۱۳۷۳ مصوب شده بود، استفاده می‌شد. برنامه ما کاردانی به کارشناسی ناپیوسته بود ولی برای اولین بار در سال ۱۳۹۱ کارشناسی پیوسته با همان برنامه‌های قدیم که مصوب وزارت علوم بود مطرح و اجرا شد.

با شکل‌گیری دانشگاه فرهنگیان و تثبیت آن فکر مسئله تغییر یا بازنگری برنامه درسی و به روز شدن آن مطرح شد. همان‌طور که همه اطلاع داریم در تربیت معلم مفهوم معلم فکور (Reflective Teacher) و جایگزینی آموزش یا بهتر بگوییم کارآموزی معلمان (Teacher Training) با تربیت



توانش‌های مربوط به حیطه‌های چهارگانه را استخراج کند؟

مژگان سلیمانی

دردی نژاد: این تقسیم‌بندی برای کلیه

رشته‌ها از جمله آموزش زبان انگلیسی معتبر است. برای روشن شدن چگونگی رسیدن به توانش‌ها لازم است مثالی بزنم. ما در برنامه درسی قبلی، درس تاریخ و ادبیات انگلیسی داشتیم که تحت عنوان «تاریخ و ادبیات انگلیسی ۱ و ۲» و «درآمدی بر ادبیات ۱ و ۲» ارائه می‌شد.

ما در مردادماه ۱۳۹۵ در دانشگاه شهید رجایی جلساتی در این زمینه داشتیم و در این مورد بحث می‌کردیم که، به فرض، در این دو درس محتوا بیشتر تاریخ ادبیات است یعنی در آن به بررسی آثار مشاهیر پرداخته می‌شود و سؤالات امتحانی نیز بیشتر در حیطه دانش است. در واقع اگر این درس که به یک حیطه محتوایی رشته مربوط می‌شود قرار باشد در برنامه جدید مطرح شود باید به این فکر می‌کردیم که چگونه می‌توانیم محتوا را به گونه‌ای ارائه دهیم که توانشی باشد و معلم فکسور بتواند در آموزش آن بر تفکر و خلاقیت خود در آموزش بیشتر تکیه کند. اولین تغییری که به نظرمان رسید تغییر عنوان درسی به «Creativity through Literature» بود. با این تغییر سعی کردیم جهت درسی را به سمت توانش تربیتی (Pedagogical Content Knowledge) سوق دهیم. سپس این سؤال مطرح شد که شاخص‌های این درس چه می‌تواند باشد؟ یکی از شاخص‌ها خلاقیت است لذا باید بینیم چگونه خواندن یک قطعه ادبی می‌تواند به ایجاد خلاقیت منجر شود. البته مشکلی که در حال حاضر وجود دارد این است که اگر چه شاخص‌ها در درس مشخص شده‌اند ولی محتوایی که با شاخص محوری

در طرح کلان این‌گونه مطرح شده بود که آنچه برای تربیت معلمان در دنیا مطرح است و اجرا می‌شود در اینجا هم باید مورد توجه قرار گیرد. این تقسیم‌بندی که در خیلی از کشورها مورد استفاده است شامل، اول، دروس عمومی است که هدف از آن‌ها رشد دانش عمومی (General Knowledge) معلمان است. بعد دروس تربیتی (Pedagogical Knowledge) است

معلم (Education) رویکردی جدید و مورد بحث است و همین رویکرد در بازنگری برنامه درسی ما مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس لازم بود تعدادی از واحدهای درسی تغییر کنند. قبلاً یک طرح کلانی را در دانشگاه ارائه داده بودند و کسانی در آن طرح حضور داشتند؛ از جمله آقایان دکتر مهر محمدی، دکتر موسی پور، دکتر ساکی، دکتر صادق‌زاده و خانم دکتر احمدی؛ که همه از متخصصین حوزه برنامه درسی می‌باشند. در طرح مذکور به چگونگی تقسیم‌بندی واحدها و تعداد واحدهای عمومی و تخصصی، پرداخته شده بود، و طرح با برنامه درسی قبلی که در دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی اجرا می‌شد تفاوت داشت. در برنامه قبلی درس‌ها سه دسته بودند: دروس عمومی، دروس تربیتی و دروس پایه و تخصصی.

در برنامه جدید درس‌ها به عمومی، تخصصی و پایه اصلی تربیتی اسلامی - علمی و تربیتی موضوعی تقسیم می‌شوند. در طرح کلان این‌گونه مطرح شده بود که آنچه برای تربیت معلمان در دنیا مطرح است و اجرا می‌شود در اینجا هم باید مورد توجه قرار گیرد. این تقسیم‌بندی که در خیلی از کشورها مورد استفاده است شامل، اول، دروس عمومی است که هدف از آن‌ها رشد دانش عمومی (General Knowledge) معلمان است. بعد دروس تربیتی (Pedagogical Knowledge) است. که هدف از آن چگونگی تدریس محتوای رشته است. سوم درس‌های تخصصی است که هدفشان رشد دانش محتوایی (Content Knowledge) در هر رشته تحصیلی می‌باشد و چهارم درس‌های تخصصی تربیتی (Pedagogical Content Knowledge) است که در واقع هدف آن پرورش شایستگی‌های معلمی کردن است.

عنانی سراب: این تقسیم‌بندی چهارگانه که شما به آن اشاره کردید گرچه از نظر شکل با تقسیم‌بندی دروس در برنامه قبلی مشابهت دارد ولی هدف و محتوای دروس هم تا حدودی تغییر کرده است. گروه شما چگونه توانست

تولید شده باشد وجود ندارد. به عبارت دیگر در برنامه جدید رشد توانش‌های چهارگانه معلم بیشتر در حیطه روشی تعریف شده و محتوای جدیدی برای آموزش آن تولید نشده است. در سایر دروس نیز وضع به همین منوال است. به عنوان مثال در درس دستور زبان در برنامه قبلی، تأکید بر دانش دستوری بود که بر آن اساس دانشجو - معلم با نکات دستوری آشنا می‌شدند و آن‌ها را در تمرینات کتاب به کار می‌بردند، اما در حال حاضر دستور زبان انگلیسی به دستور زبان کاربردی تبدیل شده است و عنوان درس هم «Grammar in Use / Applied Grammar» می‌باشد؛ یعنی در این درس آموزش دستور زبان در خدمت رشد مهارت نوشتن قرار دارد. بنابراین معلمان آینده با یادگیری دستور زبان انگلیسی باید بتوانند از دانش دستوری در «نوشتن، خواندن و صحبت کردن» استفاده کنند. در این صورت طبیعی است که به جای اینکه سؤال شود: شکل صحیح فعل چیست؟ یا حروف مناسب را انتخاب کنید! از دانشجو - معلم خواسته می‌شود. متنی بنویسد که در آن فرضاً از زمان گذشته استفاده شده باشد.

عنانی سراب: در برنامه کارشناسی دروسی از هر سه گرایش زبان یعنی ترجمه، ادبیات و آموزش زبان انگلیسی وجود دارد. در سال اول و دوم نیز دروسی ارائه می‌شود که هدفش بالا بردن توانش‌های زبانی دانشجویان است. در برنامه جدید تربیت معلم، آموزش این دروس در برنامه کارشناسی چگونه با تقسیم‌بندی دروس دوره تربیت معلم به چهار حیطه توانشی معلم مربوط شده‌اند؟

دردی نژاد: در این تقسیم‌بندی که شده، در حیطه دانش محتوایی، ما همان دروس برنامه قبلی را داریم و تغییرات بیشتر به حیطه تخصصی - تربیتی یا PCK مربوط می‌شود.

فرضاً اگر می‌خواستیم یک درس را در این حوزه بگذاریم واحدهای عملی و واحدهای نظری ما تمام شده بود. بنابراین باید از ظرفیت کارگاهی استفاده می‌کردیم و برای اینکه درس را تعریف کنیم باید به صورت کارگاهی ارائه می‌دادیم. اگر از این ظرفیت استفاده نمی‌کردیم، دروس فارسی علوم تربیتی جایگزین می‌شد

سلیمانی: اینجا یک تفاوت وجود دارد. قبلاً وقتی آزمون ورودی در دانشگاه‌هایمان برگزار می‌شد، محتوای آن را آموزش‌وپرورش طراحی می‌کرد نه سازمان سنجش و سؤالات معمولاً در سطح دانشجو - معلم طراحی می‌شد. مثلاً آزمون

ورودی کاردانی در سطح دبیرستان بود و از کاردانی به کارشناسی هم در سطح پیش‌دانشگاهی طراحی می‌شد، ولی از وقتی که قرار شد مدارک دانشجویان را وزارت علوم بدهد، دانشجو می‌باید در آزمون ورودی دانشگاه که از طریق سازمان سنجش برگزار می‌شود شرکت کند و در این آزمون سطح سؤالات زبان بالاتر است.

در برنامه قبلی سقف واحدهای تخصصی اعم از پایه و اصلی ۱۰۴ واحد بود در حالی که به هنگام بازنگری برنامه براساس طرح کلان تعداد این واحدها بایستی به ۵۸ واحد تقلیل یابد. البته شانس‌هایی که ما در رشته زبان آوردیم این بود که این رشته، آموزش را در کنار خودش دارد. در نتیجه خیلی از درس‌هایی را که ماهیت تربیتی دارند در برنامه درسی آموزش زبان به شکل دروس اصلی و تحقیقی ارائه می‌دهیم.

مزیت دیگر آن است که دروس تخصصی - تربیتی، که در رشته‌های دیگر به زبان فارسی ارائه می‌شود، در رشته آموزش زبان به انگلیسی ارائه می‌شوند. در برنامه جدید دروس تربیتی (PK) حدود ۱۶٪ و تخصصی - تربیتی (PCK) تقریباً ۳۶٪ کل واحدهای دوره را شامل می‌شوند که جمعاً به حدود ۵۰ واحد می‌رسد. حدود ۳۰٪ واحدها نیز واحدهای تخصصی (CK) هستند. بنابراین ۶۶٪ واحدها در این رشته به زبان انگلیسی ارائه می‌شوند.

کربلایی: ما مثلاً در دانشگاه درس Syllabus Design

را ۲ واحد می‌خواندیم. اما در اینجا درس جدیدی داریم به نام «طراحی برنامه درسی» که به انگلیسی ارائه می‌شود در حالی که قبلاً به فارسی ارائه می‌شد. گرچه این درس بسیار مشکلی

است اما ما سعی می‌کنیم مطالب نظری را بیشتر به صورت کاربردی و کارگاهی ارائه کنیم.

فرهاد دردی نژاد



عنانی سراب: چه تمهیداتی برای رشد توانش زبانی دانشجویان - معلمان اندیشیده شده است؟ آیا دروسی که به این منظور در دوره کارشناسی وجود دارد در برنامه درسی تربیت معلم تغییر کرده است یا خیر؟

آنچه به حساب می‌آید تعداد واحد است نه ساعات تدریس.
عنانی سراب: آیا این امر در برنامه‌ریزی مشکل ایجاد نمی‌کند؟

دردی نژاد: چرا مشکل ایجاد می‌کند. اما همان‌طور که مطرح شد این یک چارت است و ما بایستی واحدها را براساس این چارت تنظیم می‌کردیم. فرضاً اگر می‌خواستیم یک درس را در این حوزه بگذاریم واحدهای عملی و واحدهای نظری ما تمام شده بود. بنابراین باید از ظرفیت کارگاهی استفاده می‌کردیم و برای اینکه درس را تعریف کنیم باید به‌صورت کارگاهی ارائه می‌دادیم. اگر از این ظرفیت استفاده نمی‌کردیم، دروس فارسی علوم‌تربیتی جایگزین می‌شد.

سلیمانی: خیر. ما قبلاً چهار درس «خواندن» داشتیم. دستور زبان نیز چهار نیم‌سال و در هر نیم‌سال ۴ واحد ارائه می‌شد. در حال حاضر چهار نیم‌سال به دو نیم‌سال کاهش یافته است. اما نکته‌ای که اینجا حائز اهمیت است این است که دانشجویان ورودی ما توانش زبانی بالاتری دارند. شاید رشته ما این شانس را آورده که دانشجویان دهه هفتادی هستند. همان‌طور که می‌دانید از دهه ۷۰ یادگیری زبان در خانواده‌ها اهمیت پیدا کرد و والدین بیشتری فرزندانشان را به کلاس زبان فرستادند. ظاهراً این نیاز به یادگیری زبان از این دهه بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

سلیمانی: دانشگاه در این مورد تصمیم گرفته است که واحد معادل حساب بکند. مثلاً برای رشته آموزش ابتدایی یک استاد باید ۲۴ ساعت سرکلاس می‌رفت تا ۱۲ واحد تدریس‌اش پر شود یعنی دو برابر باید تدریس می‌کرد. برای جبران این مشکل کاری که شده این است که در درس کارگاهی، تعداد ساعات ضریب ۱.۶۶ دارند. به عبارت دیگر ساعات کارگاهی به‌عنوان ساعات موظف محسوب می‌شوند.

کربلایی: در تأیید گفته‌های خانم سلیمانی، ۹۰٪ دانشجویان ما از دانش زبانی خوبی برخوردارند. مثلاً الان دانشجویان ترم ۶ ما اصلاً مشکل توانش زبانی ندارند. البته دانشگاه نیز باید تمهیداتی برای دانشجویان ضعیف ببیند و کلاس‌هایی برای آنان تدارک ببیند. خود دانشجویان هم این نکته را درک کرده‌اند که باید برای ارتقای خود کوشش کنند و به کلاس زبان بروند. در مورد دانشجویان ضعیف دو نیم‌سال کار در زمینه رشد مهارت‌های شفاهی نمی‌تواند کافی باشد.

عنانی سراب: وضعیت رتبه دانشجویان ورودی دانشگاه فرهنگیان در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها چگونه است؟

عنانی سراب: درس «گفت و شنود» که در قالب آزمایشگاه زبان برگزار می‌شد در برنامه جدید چگونه ارائه می‌شود؟

سلیمانی: اینجا لازم است اشاره کنم که چون در حال حاضر وضعیت اشتغال در کشور خوب نیست و دانشگاه فرهنگیان اعلام کرده که دانشجویان پس از اتمام تحصیل جذب آموزش و پرورش می‌شوند به همین دلیل خیلی از دانشجویان با هدف استخدام و امنیت شغلی وارد دانشگاه می‌شوند. برای نمونه ما دانشجویی داریم که در رشته فیزیک رتبه ۱۶ بوده اما دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کرده است چرا؟ چون می‌داند که بعداً در آموزش و پرورش استخدام خواهد شد و این یک نقطه مثبت برای دانشگاه و آموزش و پرورش است. جالب است بدانید که ورودی‌های سال ۹۳ به بعدمان همه دارای رتبه‌های زیر ۱۰۰۰ هستند!

سلیمانی: الان دیگه آزمایشگاه معنایی ندارد. این قدر منابع الکترونیکی زیاد شده که حتی برای درس Reading در سایت‌های مختلف، تمرین‌های خوب و مطالب گوناگون هست که خیلی راحت می‌شود به آن‌ها دسترسی پیدا کرد و از طریق آن‌ها آموخت. مثلاً ما برای مهارت شنیداری از کامپیوتر استفاده می‌کنیم، فقط کافی است که دانشجویان به اینترنت وصل باشند و از مطالب درک شنیداری استفاده کنند، یا فیلم تماشا کنند و تمرین کنند. در واقع در این درس ما به دانشجویان راهکارهای تقویت مهارت‌های شفاهی را آموزش می‌دهیم. به‌طور کلی از نظر شکل ارائه، این درس از حالت واحد نظری به واحد کارگاهی تبدیل شده است.

مزیت دیگری هم وجود دارد. در جلسهای که قرار بود در آن از برنامه درسی رشته آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان دفاع شود من به‌جای آقای دکتر **دردی نژاد** که سفر بودند، در جلسه دفاعیه حضور پیدا کردم.

کربلایی: الان درس «خواندن» سه واحد تعریف شده که دو واحد نظری و یک واحد عملی است که به صورت چهار ساعت در هر هفته ارائه می‌شود. البته به این نکته اشاره کنم که واحدهای کارگاهی، به دلیل افزایش ساعت، به ضرر مدرسان است چون

ابتدا باید دفاع در آموزش و پرورش صورت می‌گرفت. در این جلسه آقایان **نوید، زرافشان و امانی تهرانی** و سایر معاونان محترم وزیر حضور داشتند. بنده در آن جلسه پیشنهاد کردم



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد برهان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوانان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت
مدرسه • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و ... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir

که در جلسه مصاحبه دانشجویان متقاضی ورود به دانشگاه فرهنگیان علاوه بر مدرسان رشته روان‌شناسی، مدرس زبان نیز حضور داشته باشد و بخشی از مصاحبه به زبان انگلیسی انجام شود. این پیشنهاد پذیرفته شد و از سال ۱۳۹۵ به اجرا درآمد.

عنانی سراب: همان‌طور که در ابتدای گفت‌وگو مطرح شد در برنامه جدید، دروس جدیدی تعریف شده‌اند که نیاز به کتاب درسی دارند. برای تألیف کتاب چه تدبیری اندیشیده شده است؟

دردی نژاد: معاونت پژوهشی دانشگاه فرهنگیان فراخوانی برای تألیف و ترجمه کتاب‌های دانشگاه داده و دروسی را که لازم است ترجمه یا تألیف شوند مشخص کرده است. مثلاً در حوزه زبان انگلیسی اگر موضوعی نیاز به تألیف دارد در گروه زبان داوری می‌شود و چند نفر آن را می‌بینند، سپس فرمی را پر می‌کنند و بعد مصوب می‌شود. پس از این مراحل با فرد یا افراد قرارداد بسته می‌شود.

عنانی سراب: منظورتان این است که برای دروسی که نیاز به تألیف مجدد دارند فراخوان داده شده است؟

سلیمانی: تا جایی که من می‌دانم قرار شده است که هر فردی که می‌خواهد تألیف یا ترجمه کند یک طرح‌نامه بدهد تا بررسی شود و پس از تأیید تألیف یا ترجمه را شروع کند.

دردی نژاد: ابتدا باید فرمی پر کنند و سپس داوری شود. در حال حاضر، هم برای تألیف و هم ترجمه، دانشگاه در حال تهیه فراخوان است. من فقط یک کتاب را داوری کردم و آن هم در حیطه تعلیم و تربیت بود.

در حوزه آموزش زبان هنوز کتابی را ندیدم. دانشگاه هم برای تألیف و هم ترجمه کمک‌هایی می‌کند فرضاً چاپ و فروش را دانشگاه انجام می‌دهد و از آنجایی که تعداد دانشجویان در دانشگاه فرهنگیان به ۷۰۰۰۰ نفر می‌رسد از شمارگان خوبی نیز برخوردار خواهد بود.

عنانی سراب: آیا کتاب‌ها قرار است در انتشارات دانشگاه به چاپ برسند؟

دردی نژاد: در این مورد هم انتشارات دانشگاه و هم ناشران خصوصی فعالیت خواهند کرد.

عنانی سراب: با سپاس از شرکت‌کنندگان در میزگرد!